نمایندگان تشکل‌های دانشجویی در میزگردی از مطالبات و دغدغه‌های امروز دانشجو و جامعه دانشگاهی گفتند

جنبش دانشجویی زنده اما کم‌فروغ

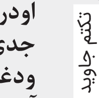

تکتم جاوید
روزنامه‌نگار

شانزدهم آذر امسال مناسبتشان هفتادساله می‌شود؛ روزی به یادبود سه دانشجوی دانشگاه تهران که در سال ۱۳۳۲ جان باختند. این روز دلیلی شد برای رنگ بخشیدن به حضور دانشجو و نقش‌پذیری او در جامعه. از آن سال به بعد اعتراضات مسالمت‌آمیز وگاه بسیار جدی‌تر به مشکلات صنفی و هم‌زمان حساس شدن به مسائل و دغدغه‌های جامعه، از رسالت‌های دوران دانشجویی به شمار آمدند. جامعه دانشجویی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نمونه‌های بسیاری از اعتراضات را در دهه‌های مختلف از سرگذراند. اما آنچه به نام جنبش دانشجویی از آن یاد می‌شود، همواره فراز و فرودهای بسیاری را از سرگذرانده و البته در همه زمان‌ها با هدف وجهت مشخص همراه نبوده است. کیفیت حضور و فعالیت‌های دانشجویی همیشه محل بحث و اظهارنظر بوده و موافقان و مخالفانی داشته است؛ به طوری‌که برایش جلسات بسیار برگزار کرده‌اند و مقالات و کتاب‌ها نوشته‌اند. برای ما هم امروز فرصت مغتنمی بود برای نشستن کنار عده‌ای از دانشجویان تشکل‌های دانشجویی فعال دانشگاه؛ چهار نفری که به نمایندگی از دیگران در میزگرد ما حضور داشتند.

امیرمحمد زارع، دانشجوی پزشکی و دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سجاد سمرقندی، دانشجوی اقتصاد و دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، سیدعباس شعبانی، دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی و عضو هیئت مؤسس و قائم‌مقام انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه آزاد مشهد و کامیار حسن‌زاده، دانشجوی مهندسی هوا‌وفضا و مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه پیام‌نور مشهد از دغدغه‌ها و حال‌وهوای امروز تشکل‌های دانشجویی گفتند.

شهرآرا: انتظار می‌رود دانشجو به شکل‌دهی حال و آینده کمک کند و موظف باشد به نقش‌آفرینی در جامعه. این انتظار در تشکل‌های دانشجویی دانشگاه چه قدر دیده می‌شود؟

زارع: من چهار سال است که عضو این جامعه هستم. فضای تشکل‌ها نسبت به دهه ۷۰ و آنچه طبق تعریف‌ها شنیده‌ایم، افت کرده است؛ به دلیل فضایی که نه تنها در ایران، بلکه به نظرم در جامعه جهانی و لیبرالیسم ایجاد کرده و افراد را به جای اینکه «اجتماع محور» باشند، «من محور» کرده و برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی بی‌تفاوت کرده است. حالا درمیان دانشجویان مرسوم شده است که کارهای روزانه خودشان را انجام بدهند، درس بخوانند و خودشان را در برخی کارهای فردی رشد بدهند و چون آن بُعد اجتماعی افراد تضعیف شده است، فعالیت در تشکل‌ها هم برای آن‌ها معنا ندارد. تعداد محدودی دانشجو در تشکل‌های مختلف فعالیت می‌کنند، اما شبیه گذشته نیست. یکی از دوستانم که از سال ۱۳۹۳ دانشجو و دبیر قبلی جامعه اسلامی بود و پارسال فارغ‌التحصیل شد، می‌گفت قبلا اگر برنامه سیاسی برگزار می‌کردیم، استقبال فراوان بود. درحالی‌که ما مدتی پیش برنامه گذاشتیم، اما استقبال خیلی محدود بود. باوجود این بی‌تفاوتی، درعین حال نیروها تربیت می‌شوند و با همان تعداد محدود اثرگذاری دارند. اگر کسی علاقه‌مند باشد، فضا برایش فراهم است. اگر دانشجویی بخواهد و اراده کند، زمینه رشد هست. ما در واردکردن افراد به کارهای اجرایی و دغدغه‌مندکردن تا جایی‌که توانستیم، تلاش کردیم. درباره شورای اسلامی شهر واکنش داشتیم و درباره قضیه گوهرشاد کنشگری سیاسی کردیم. درعین حال، آن طورکه هدف‌گذاری خودم است که هم خودم و هم دیگران را به عنوان مدیری در طراز انقلاب اسلامی تربیت کنیم، هنوز به هدفم نرسیده‌ام. اگر بخواهم جزئی‌تر اشاره کنم، حتی دیدگاه پدر و مادرها هم بسیار اثرگذار است. گاهی آن‌ها اجازه فعالیت در تشکل را به فرزندشان نمی‌دهند.

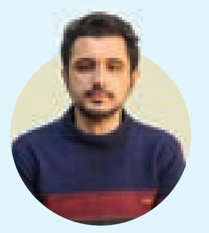

امیرمحمد زارع، دانشجوی پزشکی و دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی: حالا درمیان دانشجویان مرسوم شده است که کارهای روزانه خودشان را انجام بدهند، درس بخوانند و خودشان را در برخی کارهای فردی رشد بدهند وچون آن بُعد اجتماعی افراد تضعیف شده است، فعالیت در تشکل‌ها هم برای آن‌ها معنا ندارد

سمرقندی: امروز بیشتر فعالیت‌های مختلف تشکل‌های سیاسی و غیرسیاسی خروجی مطلوبی برای دانشجویان ندارد و بی‌ثمر است. یکی از دلایلش هم به نظر من این است که فعالان دانشجویی تشکل‌ها نتوانسته‌اند نیاز دانشجوی امروز را به درستی شناسایی کنند و به همین علت از سوی دانشجویان حمایت و مشارکت درستی نمی‌شود. به طور مثال در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ شاید آن نیاز و دغدغه اجتماعی دانشجویان طور دیگری بوده که می‌شنویم استقبال از فضای دانشجویی زیاد بوده است و اکنون نیست. یکی از کارهای پایه‌ای که باید در تشکل‌ها انجام شود، ابتدا تمرکز بر رشد و خودسازی اعضای تشکل است و سپس پا را فراتر بگذارند و بر رشد دیگر دانشجویان تمرکز کنند. باید ببینیم نیاز دانشجو چیست و رشد در کدام بخش از زندگی‌اش را حیاتی می‌بیند. سعی من این است که در تشکل، دانشجویان مخاطب را شناسایی کنیم. اکنون دغدغه دانشجو این است که پس از خروج از دانشگاه چگونه در جامعه مؤثر باشد، چطور نقش دلخواهش را ایفا کند و جامعه را به سمت رشد توسعه بدهد؛ چه در عرصه فرهنگی، چه علمی و حتی سیاسی. الان دانشجو سردرگم است. البته یکی از نتایج حضور در تشکل‌ها این است که این سردرگمی از بین می‌رود. یعنی افراد تا حدودی مسیرشان را پیدا می‌کنند. فرقی هم نمی‌کند که در چه تشکلی با چه خط فکری باشند، اما صحبت من درباره مخاطبان خارج از اعضای تشکیلات است. می‌خواهم بگویم اگر خیلی از فعالیت‌های دانشجویی از سوی دانشجویان دنبال نمی‌شود، به علت فضای سردرگمی است که با آن درگیرند. دانشجو برای آینده مسیر مشخصی نمی‌بیند. نمی‌داند پس از اینکه از دانشگاه خارج شد، چه خواهد کرد. تبیین مسیر دانشجو باید از اهداف تشکل‌ها باشد. شاید این روشنگری دانشجویان را به هدفشان برساند؛ چنان‌که برای اعضای خودشان موفق بوده‌اند. اگر تشکل سیاسی بوده‌اند، کنشگری صحیح سیاسی را آموخته‌اند و اگر تشکل فرهنگی بوده‌اند، هویت فرهنگی را مطابق با هویت ایرانی و اسلامی شکل داده‌اند. هدف اصلی تشکل‌ها همین است. یکی از آفت‌هایی که تشکل‌ها با آن روبه‌رو هستند، رزومه‌سازی است. برنامه برگزار می‌کنند به همین هدف. یکی دیگر از آفت‌های فعالیت دانشجویی این است که دانشجو آن تشکل را متعلق به خودش می‌بیند. یعنی به دلیل فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، تشکل حقی به‌گردنش دارد. اگر این نگاه ابزاری را داشته باشیم، از مسیر حق فاصله می‌گیریم و به سمت افول می‌رویم. این خودمحوربودن در تشکل با نگاه خادم بودن برای دانشجو تناقض دارد.

شعبانی: باید بپرسیم تشکل‌های دانشجویی امروز چه می‌کنند؟ آیا درباره تحولات شهر و استانشان پیگیر هستند؟ می‌دانند چه اتفاقی در اطرافشان درحال رخ دادن است؟ در شورای اسلامی شهر چه خبر است؟ در شهرداری؟ در استانداری؟ دانشجو مشکلات سطح جامعه و استان را می‌داند؟ تشکل‌ها در قبال تحولات جامعه مسئول‌اند و به فرموده رهبر معظم انقلاب، باید سعی در برطرف‌کردن مشکلات داشته باشند. ما همین مدتی پیش در تشکل خودمان میزبان یکی از اعضای شورای اسلامی شهر بودیم. نشستی داشتیم و در همان جلسه قول گرفتیم که جلسات تخصصی‌تر را با اعضای جامعه اسلامی در شورای اسلامی شهر یا دانشگاه برگزار کنیم؛ از نظر تخصصی شدن این جلسات در بحث شهرسازی، معماری، حمل ونقل و ترافیک که بتوانیم باکمک مسئولان شهر و اعضای تشکل دانشجویی این معضلات را حل کنیم. این کاری است که انجمن اسلامی انجام داده است.

شهرآرا: این یعنی شما خودتان را در ماجراهای شهری دخیل کرده‌اید؟

شعبانی: بله. شاید بتوانیم یک معضل شهری را حل کنیم. همه ما در این شهر زندگی می‌کنیم. چقدر ترافیک خیابان عارف و پرستار برایمان مهم است؟ تشکل دانشجویی باید وارد شود و این معضل را حل کند. تشکل دانشجویی معماری‌های شهر را بررسی کند. می‌توانیم به صورت تخصصی باکمیسیون‌های تخصصی شورا وارد گفت‌وگو شویم.

حسن زاده: نکته‌ای وجود دارد که ناظر به فضای دانشجویی کشور است. فضای دانشجویی تا پیش از اینکه هویت و محتوایش را از آن بگیرند، به شدت فعال بود. مثلا در دانشگاه پیام نور مشهد مطالبه‌ای را درباره ارتفاعات جنوبی کشور پیگیری کردیم که ۲ هزار میلیارد تومان را حفظ کرد و البته مطالبه‌ای در سطح کلان بود. منتها این خالی‌کردن هویت دانشجویی از فضای دانشجویی کشور که دو سال کرونا خیلی به آن دامن زد، دانشجوها را از دانشجویی‌کردن فاصله دادند. اصلا نفهمیدند فضای دانشجویی چیست. ابتدا هویت دانشجو را تخلیه وبعد محتوای مطلوب خود را جایگزین کردند. پارسال شاهد بودیم که فضای لمپنیزم به محیط دانشجویی وارد شد؛ فضای تفکری از هرکجایی؛ غرب، شرق و عناصر داخلی و هرکسی که می‌خواهد فضای دانشجویی دانشجووار پیش نرود. قبلا اگر مخالفتی هم بر سر هر جریان داشتیم، کاملا نخبگانی و دانشجوطور نشریه بیرون می‌آمد و بیانیه‌ که مفهوم داشت و سیاسی بود. الان می‌بینیم نشریه هست، اما به شدت محتوای سخیف و سطحی دارد. این یعنی هویت ما را با هویت لمپنیزم تغییر می‌دهند.

دانشگاه پیام نور
استان خراسان رضوی

همه ما در این شهر زندگی می‌کنیم. چقدر ترافیک خیابان عارف و پرستار برایمان مهم است؟ تشکل دانشجویی باید وارد شود و این معضل را حل کند. تشکل دانشجویی معماری‌های شهر را بررسی کند. می‌توانیم به صورت تخصصی با کمیسیون‌های تخصصی شورا وارد گفت‌وگو شویم

شهرآرا: این جریان لمپنیزم، از بیرون وارد شده است یا از میان خود دانشجویان؟

حسن زاده: هردو عامل هست. یعنی آن‌ها دارند روی زمینی کار می‌کنند که ظرفیتش را دارد. دانشجو از خدا می‌خواهد نمره‌اش را بگیرد و برود و در مسائل مختلف عمیق نشود. استاد هم تمایل دارد چندساعتی تدریس کند و تمام. با مجازی‌کردن کلاس و محتوای سطحی، هویت دانشجو را از او می‌گیرند و این پازل بزرگی است که هرکسی نقش خودش را ایفا می‌کند؛ می‌تواند کرونا باشد و مانور رسانه‌ای که هوشمندانه کار می‌کند. گاهی تنبلی دانشجوست و گاه تنبلی استاد. همه این‌ها مجموعه‌ای را می‌سازد که دانشجو هویت خودش را نداشته باشد. هویتش با هویت دیگری جایگزین می‌شود و به‌گفته شهید سلیمانی فرصتی که در بحران‌ها هست، در خود فرصت‌ها نیست. هنوز می‌توانیم از منجلابی که‌گیر افتاده‌ایم وکسی نمی‌داند هویت دانشجویی چیست بیرون بیاییم و هویتی را که پیش‌تر ایراداتی داشته است، اصلاح کنیم و آن هویت اصیل و پاک را که باید مؤذن جامعه باشد و در مسائل کشور خط دهی کند، در این ظرف خالی هویتی دانشجو بریزیم. اکنون این موضوع در دانشگاه‌های کشور در حال پیش رفتن است.

شهرآرا: پس در حوزه تشکل‌ها و دانشگاه‌های خودتان متوجه شده‌اید که آنچه در اختیار دارید، مطلوب خودتان نیست. درست است؟ عدد و رقم دارید که چنددرصد دانشجویان عضو تشکل‌ها هستند؟

شعبانی: ۵ تا ۷ درصد. خیلی کم.

زارع: فکر می‌کنم تا ۱۰ درصد.

سمرقندی: آمار تفکیکی نداریم. درباره ما ۱۰ تا ۱۵ درصد است.

حسن زاده: ما هم تا ۱۰ درصد.

شهرآرا: با وجود این، آن جنبش دانشجویی، آرمان خواهی و نرم افزاری که از آن سخن می‌گویند کجاست؟

شعبانی: مرده! ما با دانشگاه، رؤسا، مدیرانی منفعل و دانشجویانی منفعل‌تر و بی‌تفاوت‌تر درباره مسائل جامعه روبه‌رو هستیم؛ به ویژه در موضوعات سیاسی و موضوع انتخابات که امروزه درگیر آن هستیم. هر دوره هم مشاهده می‌کنید که آمار مشارکت مردم در انتخابات کمتر می‌شود؛ براساس آمارهایی که خود رسانه‌ها منتشر می‌کنند. نسل امروزی از اتفاقات گذشته کشورش ناآگاه است و از تاریخ معاصر کشورش هم خبر ندارد. همین الان از نسل دهه هشتادی که در دانشگاه هستند، اگر بپرسید سال ۱۳۷۸ چه اتفاقی افتاده است، نمی‌داند. اگر بپرسید سال ۱۳۸۸ چه شد، موسوی و احمدی نژاد چه‌کار کردند، نمی‌داند. ما با دانشجویانی روبه‌رو هستیم که نمی‌دانند اصلاح طلب کیست و اصولگرا کدام است. جو حاکم بر دانشگاه این است. اما تشکل انجمن اسلامی با این دیدگاه که دانشجوی امروز سیاسی نیست و از سیاست فرار می‌کند و نمی‌خواهد درباره آن چیزی بداند، برای جذب دانشجویان تمهیدات دیگری اندیشیده است. ما با استفاده از ابزار هنر، افراد را با توانایی‌هایشان در زمینه‌های فرهنگی و هنری مثل نویسندگی، صداپیشگی، خبرنگاری یا کار با نرم افزار جذب می‌کنیم و آن‌ها را با توانایی خودشان رشد می‌دهیم و به فضای سیاست می‌کشانیم. در بدو ورود اصلا از سیاست صحبت نمی‌کنیم. چون بیزاری دارند.

شهرآرا: مگر تشکل شما کاملا سیاسی نیست؟

شعبانی: چرا، سیاسی هست، اما ما کار فرهنگی و هنری هم می‌کنیم. این روش جذب ما پاسخ خوبی داده است. ازآن طرف، در همین جلسه شورای اسلامی شهر، هم جایگاه سیاسی دارد، هم شهری و وارد مباحث شهری و سیاست می‌شوند و با مسئولان درارتباط خواهند شد. البته برای اینکه به جنبش دانشجویی تبدیل شود، نیاز به زمان دارد. درعین حال، آن جنبش دانشجویی که مدنظر شماست که آرمان خواهی می‌کردند وکف خیابان می‌ایستادند و می‌گفتند استاندار تا استعفا ندهی نمی‌رویم، کجا رفت؟ آن تشکل‌هایی که مسئولان را برکنار می‌کردند، کجا رفت؟ نیست. مرده.

سیدعباس شعبانی، دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی، قائم‌مقام انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه آزاد مشهد: آن جنبش دانشجویی که آرمان‌خواهی می‌کردند وکف خیابان می‌ایستادند ومی‌گفتند استاندار تا استعفا ندهی نمی‌رویم، کجا رفت؟ آن تشکل‌هایی که مسئولان را برکنار می‌کردند، کجا رفت؟ نیست. مرده

سمرقندی: اشاره شد که جنبش دانشجویی مرده است. من خیلی موافق این صحبت نیستم. اگر به سیر تاریخی جنبش دانشجویی نگاه کنید، متوجه می‌شوید که در طول تاریخ این فراز و نشیب‌ها را داشته است؛ یعنی افول و صعود بوده است. در برهه‌ای از تاریخ طرف‌داران خودش را ازدست داده وکمتر شده و در زمانی بیشتر شده است. پس اینکه بگوییم کلا طرف‌دارانش را ازدست داده و نمی‌تواند مثل دهه ۷۰ باشد، اشتباه است.

شعبانی: اگر از سال ۱۳۸۸ جنبشی بوده است، مثال بزنید.

سمرقندی: من درباره این اوضاع خوش‌بین‌ترم. به نظرم روندی دارد. آنچه در زمان فتنه ۱۳۸۸ و اغتشاشات ۱۳۹۸ رخ داد هم مانند اظهارنظرهای زمان کنونی است. آن موقع هم اگر دقت می‌کردید، می‌گفتند جنبش دانشجویی مرده است؛ دقیقا با همین عنوان. این طور حس می‌شد که مثل قبل نیست. اما اکنون می‌بینیم که از سال ۱۳۷۸ جریانات جنبش دانشجویی ادامه پیدا کرده. ولی اگر خیلی پررنگ نیست، بخشی مربوط به اتفاقات بیرون از دانشگاه است و برخی داخل دانشگاه. باید ریشه‌یابی کنیم. پس نمرده، بلکه کم‌رنگ شده است وان شاءا... درآینده به سمت مسیر خودش پیش برود. الان داریم ازآن پیچ تاریخی عبور می‌کنیم. اشاره شد که دانشجو سیاسی نیست. به نظر من دانشجو خودش را به عنوان عضو و نماینده مردم می‌داند و همیشه هم خودش را موظف به مشارکت در اجتماع می‌داند. به نظرم دانشجو سیاسی هست، اما همان طور که اشاره شد، آگاهی سیاسی لازم را ندارد. یعنی ما باید به دانشجو آن آگاهی را بدهیم.

سمرقندی: من نمی‌گویم دانشجو تمایل ندارد وارد موضوعات سیاسی شود. من می‌گویم آگاهی ندارد. نمی‌داند چه نقشی را می‌خواهد در فضای سیاسی ایفا کند. فکر می‌کند بی‌ثمر است. اینجا وظیفه تشکل سیاسی این است که آن آگاهی سیاسی را بدهد. بیایند کف میدان و با دانشجو ارتباط بگیرند و به دانشجو بگویند واقعا در فضای داخل و خارج از دانشگاه چه می‌گذرد. اگر دانشجو از این مسیر آگاه نشود، سرگرم رسانه‌ها و دیگران می‌شود. اینجا وظیفه تشکل همین برگرداندن آگاهی است. تشکل‌ها شاید به خوبی عمل نکرده‌اند که هویت سیاسی را به او نشان بدهند. اگر ماجرایی رخ بدهد که نیاز به حضور دانشجو داشته باشد، دوباره وارد خواهند شد. پارسال دانشجویان انقلابی در دانشگاه سعی در تبیین وضع موجود داشتند. این نشان داد که‌کف میدان هستند.

شعبانی: یک سؤال دارم از دوستان؛ اینکه جنبشی که می‌گویید نمرده و بیمار شده است، چندسال طول می‌کشد که دوباره برگردد؟ از سال ۱۳۸۸ به این طرف یک حرکت و جنبش را نام ببرید.

سمرقندی: به نظرم ما هرسال داریم این جنبش و حرکت را می‌بینیم؛ به مناسبت‌های مختلف.

حسن زاده: در فضای شهری خودمان هم سال ۱۴۰۱ ستاد مشارکت حداکثری داشتیم. به صورت هم زمان در پانزده نقطه در شهر مشهد کافه‌گفت‌وگو برپا بود و با مردم صحبت می‌شد؛ درحدی که افراد معاند خبرش را منتشر کردند.

شعبانی: شما در سطح شهر و استان می‌گویید. منظور من در سطح کشور است. سال ۱۳۸۸ کشوری بود؛ سال ۱۳۷۸ کشوری بود.

حسن زاده: سال ۱۴۰۱ مگر کشور به هم نریخت و جنبش دانشجویی آن رنگه نداشت؟ پارسال که‌کاملا تقابل دو تفکر بود.

شعبانی: کدام تشکل‌ها و طیف‌ها بودند؟ کدام تشکل بلوا ایجاد کرد؟ چه‌کسی پشت بلوا بود؟ هیچ‌کدام.

حسن زاده: چه‌کسی گفته است هیچ‌کدام نبودند؟ انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر فعالیت جدی داشت.

شعبانی: آیا در محاکم انجمن اسلامی را محکوم کردند که چرا پشت اغتشاشات بوده است یا نه؟ نبوده است. اما در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ بود. پس یک جنبش دانشجویی و تشکل خاص پشت آن ماجرا نبود.

حسن زاده: من پیش‌تر گفتم آن جنبش دانشجویی الان مطرح نیست. آن فضای حقیقی و مجازی است. آن تفکری است که در فضای مجازی منتشر می‌شود. شما می‌بینید به صورت واحد در همه دانشگاه‌ها یک شعار داده می‌شود و به صورت واحد در همه جا یک مدل راهپیمایی می‌شود. سؤال شما درباره وضعیت جنبش دانشجویی بود که الزاما شامل یک تشکل و دو تشکل نیست. پارسال وقتی همه کشور آرام شده بود، ۳ هزار نفر در دانشگاه فردوسی جمع شدند. این یعنی جنبش دانشجویی فعال است. یکی دو تشکل هم نبود، ولی دانشجو بود. اصلا دانشجو وظیفه‌اش این است که داخل جامعه جریان‌سازی کند. سال ۱۴۰۱ این کار را نمی‌کرد؟ چرا. به غلط بود، اما می‌کرد. پس جنبش دانشجویی نمرده و بیمار شده است.

شعبانی: آنچه آقای حسن زاده توضیح دادند، درست است. شما جنبش دانشجویی را فقط در فعالیت تشکل‌ها نبینید. حتی یک دانشجو هم ممکن است عضو تشکل خاصی نباشد، اما با فعالیت اجتماعی هم در جنبش دانشجویی نقش دارد.

دانشجوی ما نمی دانند اصلا نقشش چیست. فکر می کند دانش آموزی است که باید سرصبح سرکلاس بنشیند و حضور و غیاب که تمام شد، ناهار بخورد و برود خانه. این زندگی دانش آموز است، نه دانشجو. می گوییم بیا در فضای شهری حرکت کن و در جواب می گوید سلف دانشگاه من مشکل دارد، چرا باید بروم سراغ فضای شهری؟ همین باعث می شود ابتدای کار وارد تشکل نشود. باید پله پله طی کند. باید از مطالبات دانشگاه خودش شروع کند تا کشور. وظیفه ما این است که اجازه بدهیم این جنبش دانشجویی ضعیف در ریل خودش حرکت کند.

عکس: جواد کرمانی | شهرآرا

شهرآرا: با همه این توضیحات، حالا باید امیدوار باشیم که دانشجو در تشکل یا بیرون از آن عضو جنبش هست یا خیر؟

زارع: دقیق‌تر و تجربی‌تر بگویم؛ پس از تخریب بیمارستان غزه، دانشجویان جمع شدند و به سمت دفتر سازمان ملل در مشهد رفتند و جریانی رخ داد. یا مثلا در اتفاقات پارسال دو گروه مقابل هم بودند. تا زمانی که‌کارد به استخوان نرسد، آن جنبش دانشجویی آرمان خواهی و قیام حضور پیدا نمی‌کند.

شهرآرا: یعنی از میزان حضور دانشجویان در اتفاقات پارسال راضی بودید؟

زارع: بله. امسال هم درباره ورود دانشجویان به مسائل غزه راضی هستم. امیدکه قطعا داریم. این از بدیهیات است. بحث این است که بی‌تفاوتی گسترش پیدا کرده است، اما زمانی که‌کارد به استخوان برسد، برخی دانشجویان واقعا پای کار هستند، اما وضعیت که عادی می‌شود، هم بین دانشجویان و حتی استادان افرادی می‌شوند. خود مردم هم این طوری هستند. دیدید در ۲۲ بهمن پارسال چقدر حضور پررنگ داشتند؟ تحلیل من از فضای جنبش دانشجویی و حتی مردم عادی این است. جنبش دانشجویی زمانی که اتفاقات خاص بیفتد، مثل ماجرای غزه و موجی راه بیفتد، قابل ایجادشدن است.

حسن زاده: برای چه می‌گویم بیمار است؟ به این دلیل که در این وضعیت که دانشجو دارد فعالیت می‌کند، هیچ‌کس رضایت ندارد. یک مسابقه دو را برایمان مثال می‌زنند که به پاهای یکی از دونده‌ها وزنه‌هایی آویزان است. مسابقه شروع می‌شود و همه می‌دوند و او هم ردیف بقیه پیش می‌آید، اما برای او خیلی کار سخت‌تر است. جنبش دانشجویی نیز همین طور است. دو سال کرونا همه دانشجویی‌کردنِ یک دانشجو این بود که بنشیند پای موبایل ولپ تاپ. یعنی همان اجتماع دانشجویی هم از او گرفته شد و الان هم کلی دارند به آن‌ها خوراک می‌دهند. دانشجو از همه طرف زیر فشارها و خوراک‌های فکری افراد است. با همه این موارد، دارد همپای مثلا تشکل شهری جلو می‌آید؛ تشکل شهری‌ای که این همه عقبه مردمی دارد و اجتماعی در میدان فلسطین برگزار می‌کند. منتها نقطه زن نیست و به یک میدان ختم می‌شود، اما تشکل دانشجویی ظرف سه چهار ساعت ۳ هزار نفر جمع می‌کند و می‌برد جلو سازمان ملل و نقطه زنی می‌کند که یعنی اینجا باید هدف باشد. پس با همه این وضعیتی که دانشجو را محدود کردند، به او فشار آوردند و در تنگنا قرار دادند، الان دارد خودش را می‌رساند و برای همین می‌گویم امیدوارکننده است، نمرده و بیمار است. چون مریضش کرده‌اند و باز برخواهدگشت. جنبش دقیقا مثل یک نمودار سینوسی است. الان در منفی یک است و تا به مثبت یک برسد، زمان بر است.

شعبانی: دوستان مدام از میدان شهدا و فلسطین می‌گویید و سازمان ملل. بحث این نیست. وقتی می‌گوییم جنبش دانشجویی مرده است، یعنی یک تشکل نیست که برنامه ریزی‌اش صفر تا صد مال خودش باشد. اینکه می‌گوییم اکنون چنین تشکلی نداریم، همین است. ما در جامعه اسلامی و انجمن اسلامی باید برویم مثلا جلو شورای اسلامی شهر و به نحوه مدیریتش اعتراض کنیم. اما تعدادمان کم است. اگر همه بیایند، شاید دویست تا پانصد نفر بشویم. آیا چنین کاری می‌توانیم بکنیم؟ خیر. نمی‌توانیم.

حسن زاده: توانایی داریم انجام بدهیم. منتها می‌گوییم چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است. الان خود جنبش بیمار است. اگر قرار باشد توانایی خودمان را بگذاریم برای مسائلی که ۵ یا ۱۰ سال دیگر انجام بدهیم، اشتباه است. الان کم هستیم وحدود ۷ تا ۱۰ درصد از جمعیت دانشگاه در تشکل‌ها عضو هستند. سال ۱۳۷۷ انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر سالنی گرفت و ۳ هزار نفر را جمع کرد که همه کارت عضویت انجمن داشتند. منتها می‌گویم با همه این موارد، عده‌ای هنوز فعالیت می‌کنند. پس دانشگاه زنده است، اما مریض است. زمان می‌برد به جایگاه والای جریان سازی در کشور برسد.

شهرآرا: شاید الان جنبش دانشجویی باید شکل و فرمش را تغییر دهد و جور دیگر فعالیت کند؛ نه الزاما شبیه سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸.

حسن زاده: از سال ۱۳۵۷ که دانشگاه بازگشایی و فعالیت دانشجویی آغاز شد، تا ماجرای کوی دانشگاه چندسال گذشت؟ جنبش دانشجویی ۲۱ سال جلو رفته بود و باز سال ۱۳۸۸ دوباره میوه‌ای چیدند که از سال‌ها قبل کاشته شده بود. اگر این تفسیر درست باشد که از سال ۱۳۸۸ مرده، طبیعی است همین تعداد سال طول بکشد که نهالی که‌کاشتید، ثمر بدهد. اگر قرار باشد این طور حساب کنیم، باید بگوییم از سال ۱۳۵۷ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۷ که جنبش به ثمر نشست، دانشجویان کجا بودند؟ سال ۱۳۶۷ کجا بودند؟ دهه ۶۰ که درگیر جنگ بودیم، منافقان درحال کشتن آدم‌ها بودند و ۱۷ هزار نفر را کشتند. جنبش دانشجویی کجا بود؟ آیا توانست راهپیمایی بگذارد؟ بله، برگزار کرد، با حضور هزار نفر در تهران. چندسال گذشته بود؟ همان ۱۰ سال. این راه همان راه است. ما الان باید به جایی برسیم که آن ریلی که جنبش دانشجویی رفت و به قهقرا ختم شد، به آن سمت نرویم. اینکه چطور دانشجو را سیاسی کنیم، اول از همه باید بفهمد چقدر بودنش مهم است. دانشجوی ما نمی‌داند اصلا نقشش چیست. فکر می‌کند دانش آموزی است که باید صبح سرکلاس بنشیند و حضور وغیاب که تمام شد، ناهار بخورد و برود خانه. این زندگی دانش آموز است، نه دانشجو. می‌گوییم بیا در فضای شهری حرکت کن و در جواب می‌گوید سلف دانشگاه من مشکل دارد، چرا باید بروم سراغ فضای شهری؟ همین باعث می‌شود ابتدای کار وارد تشکل نشود. باید پله پله طی کند. باید از مطالبات دانشگاه خودش شروع کند تا کشور. وظیفه ما این است که اجازه بدهیم این جنبش دانشجویی ضعیف در ریل خودش حرکت کند.

شهرآرا: سؤال دیگر من همین بود که تشکل‌ها برای بیرون آوردن دانشجویان از آن گرداب که نامش هرچیزی مثل بی‌تفاوتی است، چه باید بکنند؟ چگونه او را به فضای شهری بکشانیم و حساس و فعال کنیم؟

شعبانی: اول با مطالبات صنفی خودش؛ از خوابگاه تا سلف. بعد به سوی مسائل شهری. دوستان هم تأیید کردند که اکنون ۵ تا ۱۰ درصد در تشکیلات خودمان جذب کرده‌ایم. این نشان می‌دهد که دانشجو و دانشگاه سیاسی نیست. ما با ابزار هنر پیش می‌رویم.

سجاد سمرقندی، دانشجوی اقتصاد و دبیر جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی: اینکه دانشجویان جدیدالورود بتوانند به فضای تشکیلاتی وارد شوند، باید آگاهی داشته باشند و این برمی‌گردد به اینکه دانشگاه باید فضا را در اختیار تشکل‌ها بگذارد تا بتوانند خودشان را به دانشجویان معرفی کنند.

سمرقندی: باید در فضای دانشگاه که فضای علمی است، به دور از تعصبات غیرمنطقی در یک فضای نخبگانی و علمی به‌گفت‌وگو درباره موضوع‌های گوناگون بپردازیم. باید مسائل را منطقی مطرح کنیم و به مسئله اصلی دانشجو بپردازیم. اینکه می‌گویند چرا نمی‌توانیم تجمع درستی در شهر داشته باشیم، اولا ناظر به همین حرف است. ما به عنوان تشکل‌های دانشجویی نتوانسته‌ایم فضای مشارکتی نقد وگفت‌وگو را با هم داشته باشیم. یعنی خودمان با خودمان در فضای چالشی حضور داریم. همه می‌دانیم که باید مطالبه‌گر باشیم، اما یک سو و یک جهت نیستیم و جزیره‌ای عمل می‌کنیم. همه جا هم مشهود است؛ در همه جمع‌ها. همین‌که در فضایی با هم می‌نشینیم، به بحث و جدل می‌رسیم. اگر بخواهیم جدل کنیم، آن دانشجو فکر می‌کند این‌ها با خودشان مشکل دارند. این برای تشکل‌ها آسیب است. رهبر معظم انقلاب گفتند باید از دوقطبی سازی جلوگیری کنیم. هیچ خیری در رادیکالی حرکت‌کردن و رادیکالی صحبت‌کردن به جنبش دانشجویی نمی‌رسد. اول فضای گفتمان باید در بین اعضای تشکل‌ها اعم از سیاسی و فرهنگی باشد. آنچه ما می‌بینیم، این است که تشکل‌ها درگیر اختلافات با هم هستند؛ حتی تشکل‌های یک دانشگاه. دانشجو یا باید در بارکشی باشد یا‌کلا رها کند. این یکی از دلایل بیزاری دانشجوست.

شعبانی: این دعوای بین تشکل‌ها هرگز حل نمی‌شود.

حسن زاده: اشکالی ندارد که تشکل‌ها با هم در جلسه بحث وگفت‌وگو و دعوا کنند، اما وقتی بیانیه می‌نویسند، باید با هم باشند. مانزدیک پانزده سال است که داریم این کار را می‌کنیم. فتح دانشگاه کرده‌ایم. بین تشکل هایمان فعالیت داریم و اختلافاتی در جلسات داریم، اما کف دانشگاه فعال هستیم.

شعبانی: در دانشگاه آزاد به این توافق نمی‌رسیم. چون دانشگاه آزاد نسبت به دانشگاه فردوسی و پیام نور سیاسی‌تر است. یعنی همیشه قطب سیاسی استان است و همیشه خط مشی آنجا تعیین می‌شود. هیچ‌گاه تشکل هایش با هم کنار نمی‌آیند و همیشه دعوا بوده است. اگر یکی شب نامه می‌داده، دیگری می‌رفته است سراغ روزنامه.

سمرقندی: تشکل‌های سیاسی در مبنا و خط مشی باید تفاوت داشته باشند. اختلاف هست، اما باتوجه به این‌ها تشکل‌ها باید درباره مثلا مسئله شورای اسلامی شهر حساسیت داشته باشند. همه باید در مسائل کلان تر اختلافات را‌کنار بگذاریم و درباره چنین مسئله‌ای به جمع بندی برسیم.

حسن زاده: وضعیت این است که من با فلان تشکل دانشجویی بر سر یک مسئله اختلاف نظر دارم، اما درباره مسئله‌ای مثل فلسطین که اختلاف نیست. ماجرا بین حق است و ناحق. با هم جمع می‌شویم و کاری انجام می‌دهیم. منتها این یک آسیب هم ممکن است داشته باشد. این پدافندی است در برابر آفند کم جمعیت بودن. ۱۰ سال پیش یک تشکل ما برابری می‌کرد با همه تشکل‌های الان. وقتی جمع شدن باشد، در افزایش جمعیت در تشکل احساس نیازی ایجاد نمی‌شود.

یک مسابقه دو را برایمان مثال می‌زنند که به پاهای یکی از دونده‌ها وزنه‌هایی آویزان است. مسابقه شروع می‌شود و همه می‌دوند و او هم ردیف بقیه پیش می‌آید، اما برای او خیلی کار سخت‌تر است. جنبش دانشجویی نیز همین طور است

شهرآرا: تشکل‌ها تا چه میزان در مطالبه‌گری از دولت و نمایندگان مجلس مردم مشهد موفق بوده‌اند؟ در این باره تجربه‌ای داشته‌اید؟

شعبانی: آن‌ها فقط زمان انتخابات سراغ ما می‌آیند.

زارع: مطالباتی داشتیم. در فضای دانشگاه ما اتفاقاتی افتاد و تغییراتی در سطح ریاست بود که خواستیم در این موضوع تأثیرگذار باشیم. جلساتی با امام جمعه و استاندار داشتیم و مواردی را مطرح کردیم. خیلی سربسته می‌گویم؛ در فضای کشور گاهی می‌بینیم که به افراد بیشتر از تشکل‌ها بها داده می‌شود. ما تلاش خودمان را کردیم، اما انگار ارتباط فردی یک نفر مؤثرتر است. تلاش خود را از لحاظ سیاسی کردیم، اما در این تجربه نتیجه آن چیزی نشد که می‌خواستیم. درعین حال، جنبش دانشجویی می‌تواند به عنوان یک بازوی نرم حضور داشته باشد. می‌گویند ارتباطات باعث اعتمادات می‌شود. تفکری در فضای دانشجویان و حتی مردم وجود دارد که ارتباط با مسئولان چاپلوسی است و دیدگاه به طور کلی منفی است. درحالی‌که برای اعتماد نیاز به ارتباط است. درمجموع به نظرم ارتباط بین مسئولان و تشکل‌های دانشجویی نیست و یک فرد می‌تواند در برخی کارها مؤثرتر باشد. درعین حال، با ریاست اداره‌کل انتقال خون به زودی همکاری خواهیم کرد.

حسن زاده: درجریان کرونا و واکسیناسیون که خیلی‌ها برای آن استرس داشتند، بچه‌های بسیج وارد کار شدند. در مسئله ارتفاعات جنوبی هم جلساتی داشتیم وگاهی دانشجویان را از آن جلسات حذف می‌کردند، ولی این‌ها باعث شد جنبش دانشجویی به حساب بیاید. این یک نمونه کامل مطالبه‌گری بود که حتی انجمن دوچرخه سواران بانوان هم با ما همکاری کرد. مطالبه به نتیجه رسید. آن مسئول هم اگر بخواهد اثر بپذیرد و همکاری کند، باید به دانشگاه دعوت شود و سطح ما را ببینند. پیگیری‌هایی که می‌کنیم، باعث می‌شود ما را جدی بگیرند.

شعبانی: درباره ارتباط با مسئولان صحبت شد. اتفاقا تلاش می‌کنند بیایند داخل دانشگاه که رأی جمع کنند. با صحبت شما مخالفم. نیازی نیست بیایند دانشگاه و تعداد ما را ببینند. آن عضو شورای اسلامی شهر با نزدیک شدن انتخابات برای حضور در دانشگاه لحظه شماری می‌کند که ۳۰ هزار دانشجو به او رأی بدهند. ببینید نمایندگان مجلس هیچ وقت به دانشگاه آمده‌اند؟ خبرش رسیده است که یکی از نمایندگان مشهدی قرار است از تهران نامزد شود.

شهرآرا: شما دعوتشان کردید؟

شعبانی: خیر. من با مشاور یکی از نمایندگان مجلس مشهد صحبت کردم، پاسخش این بود که او فقط روزهای مشخص پنجشنبه و جمعه درمشهد است که آن هم به‌کار دانشگاه نمی‌آید و در آن روزها دانشگاه تعطیل است. پس کی قرار است نماینده من بیاید دانشگاه؟ در آبان جلسه‌ای با معاون سیاسی استاندار داشتیم و بچه‌ها طرحی دادند و قول مساعدت گرفتند و درحال پیگیری هستند.

سمرقندی: برخی صحبت‌هایی که با مسئولان می‌کنیم، ملموس است و برخی نه. به طور مثال تجربه ما در جامعه اسلامی دانشجویان در ارتباط‌گیری با مسئولان این طور بوده است که جمعی از دانشجویان اقتصاد درباره مسئله مولدسازی با معاونت اقتصادی استانداری جلسه‌ای گذاشتند و راجع به اقدامات درحال انجام مطالبه‌گری کردند و راهکار ارائه دادند. این شاید خیلی ملموس نباشد، اما درباره مدیریت شهری و استان اثرگذار است و آن نقش کنشگری با مسئولان را خواهد گذاشت. بی‌ثمر نیست. تجربه‌های متفاوت داشتیم. ارتباطی که از سمت تشکل با مسئولان گرفته می‌شود، به معنی این نیست که ما خواسته‌ای داشته باشیم و آن‌ها بخواهند عملی کنند. شما برعکس ببینید. گاهی درخواست داشتیم و اظهارنظر. بیانیه دفاتر جامعه اسلامی مشهد درباره اتفاقات شورای اسلامی شهر بود.

شهرآرا: مطالبات مهم دانشجویی امروز کدام‌ها هستند؟

شعبانی: دانشگاه ما تک قطبی و تک صدایی است. دانشگاه ما دلش نمی‌خواهد صدای مخالف را بشنود.

شهرآرا: یعنی دانشگاه آزاد؟

شعبانی: همه دانشگاه‌های کشور. چندین دفتر انجمن اسلامی دانشجویان را در کشور بستند.

حسن زاده: با علم به این موضوع می‌گویید؟ از ابتدا نماینده دانشگاه خودتان بودید. اگر از طرف همه می‌گویید که نظرتان اشتباه است. چون من دیدم در دانشگاه آزاد چندین جلسه گفت‌وگو و چندین نوبت کرسی آزاداندیشی بوده است. بچه‌های دانشگاه فردوسی کافه‌گفت‌وگو در دانشگاه خودشان برگزار کردند. در دانشگاه پیام نور هرهفته شنبه و یکشنبه کافه‌گفت‌وگو برپاست. یعنی دانشجو با هر اعتقاد سیاسی راحت حرف می‌زند و پاسخش را می‌شنود و می‌رود.

کامیار حسن‌زاده، دانشجوی مهندسی هوا‌وفضا و مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه پیام نور: دانشگاه می‌خواهد دانشجو کاری به‌کار دانشگاه نداشته باشد. اصلا اهمیت تشکل دانشجویی و اینکه می‌تواند جامعه را پویا کند، برایشان جا نیفتاده است. مسئولان بعضی دانشگاه‌ها می‌ترسند به دانشجویان بها بدهند

شعبانی: درباره مطالبات مهم باید بگوییم دانشجویی که سیاسی نیست، مطالباتش هم قطعا سیاسی نیست. مطالبه در حد همان سلف و فضای آموزشی است. اما مطالبه آن چندنفری که در تشکل نشسته‌اند، فرق دارد. حالا شما می‌خواهید مطالبه تشکل را بدانید یا دانشجوی عادی را؟

شهرآرا: می‌خواهم بدانم دانشجو چه می‌خواهد. و شما نماینده یک تشکل و همان دانشجوها هستید؛ چه سیاسی باشند و چه نباشند.

زارع: مطالبه افراد با هم تفاوت دارد، اما مطالبه همه دانشجویان مطالبات صنفی و رفاهی است.

حسن زاده: ما مطالبات عمیقی هم داشته‌ایم. مثلا وزیر علوم رفت دانشگاه تهران وگفت شما تشکل غیرقانونی هستید و این اعتراض مطرح شد که وزیر به چه حقی به بسیج و انجمن می‌گوید غیرقانونی؟ این اکنون یک مطالبه است برای ما. اصلا نگاه به دانشجو باید عوض شود. این نگاه بین مسئولان صدر کشور مثل وزیر علوم سخیف است و باید عوض شود.

شهرآرا: استقبال دانشجویان جدیدالورود از حضور در تشکل‌ها به چه میزان است؟

حسن زاده: دانش آموزند. نکته اینجاست که آن دانش آموزی که علاقه‌مند به‌کار سیاسی است، دانشجو نمی‌شود یا اگر می‌شود، کلا از آن فضا فاصله می‌گیرد. دانشگاه‌های ما یا آن ظرفیت را ندارند یا نرفته‌اند به سویی که بدانند چگونه فعالیت کنند. دانشجوها با روحیه دانش آموزی وارد دانشگاه می‌شوند. پیش‌تر این وظیفه برعهده دانشگاه بود که آن‌ها را دانشجو بار بیاورد. الان تشکل‌ها خیلی تأثیر دارند که دیدگاه را عوض کنند. دانشجو از شهرستان می‌آید وکلاس استاد به راحتی لغو می‌شود، اما بدون اینکه یک اعتراض ساده بکند، به خانه برمی‌گردد.

شعبانی: حرف ایشان تا حدودی درست است. وقتی جوان دانشجو می‌شود، اصلا نمی‌داند که به محض اینکه دانشجو می‌شود، سیاسی شده است. شانزدهم آذر روز دانشجوست وکاملا با یک ماجرای سیاسی هم پیوند خورده است. برای همین ابزار ما در دانشگاه هنر است.

سمرقندی: اینکه دانشجویان جدیدالورود بتوانند به فضای تشکیلاتی وارد شوند، باید آگاهی داشته باشند و این برمی‌گردد به اینکه دانشگاه باید فضا را در اختیار تشکل‌ها بگذارد تا بتوانند خودشان را به دانشجویان معرفی کنند. این کار را انجام می‌دهد. مثلا ستاد استقبال از دانشجویان که اول سال برگزار می‌شود، به تشکل‌ها غرفه می‌دهد. از ایجاد غرفه تا اینکه دانشگاه این امکان را بدهد که در برنامه‌های مهم مناسبتی دانشگاه خودشان را معرفی کنند. البته وضع موجود برای ما مطلوب نیست.

حسن زاده: دانشگاه همان دانش آموز را می‌خواهد که‌کاری به‌کار دانشگاه نداشته باشد. اصلا اهمیت تشکل دانشجویی و اینکه می‌تواند جامعه را پویا کند، برایشان جا نیفتاده است. مسئولان بعضی دانشگاه‌ها می‌ترسند به دانشجویان بها بدهند.

شهرآرا: برنامه‌های تشکل در حوزه‌های خودتان برای آینده چیست؟

زارع: برخی برنامه‌های مشترک با دفاتر جامعه اسلامی علوم پزشکی داریم که ادامه خواهیم داد و مربوط به فضای انتخابات است. برخی برنامه‌ها را هم با تشکل اساتید یا بسیج دانشجویی برگزار خواهیم کرد. همچنین برنامه‌هایی داریم که تمرکز کنیم درباره فرمایش رهبر معظم انقلاب که مسئله اصلی کشور را اقتصاد بیان کردند. براین مبنا برنامه‌ای ترتیب دادیم با عنوان آموزش مبانی اقتصادی. من به آینده امیدوارم. آینده روشنی است. درباره کار تشکیلاتی از استادی نقل قول می‌کنم که‌گفت از کسی که کار تشکیلاتی نمی‌کند، بترس. کار تشکیلاتی برای دانشجو در هر گروهی ضروری است و به نوعی در قبال اطرافیان تعهد ایجاد می‌کند.